ادامه از صفحه اول

بطحایی در راه احقاق حقوق معلمان

این مسئله با توجه به ذهن برنامه‌ریز و نگاه استراتژیک او به جایگاه معلمان و نیز ردی که ایشان در سوابق خود بر جای گذاشته‌اند، به نظر قابل پیگیری است. عملا بزرگ‌ترین نهاد آموزشی کشور با سطح بالایی از نارضایتی معلمان درباره حقوق پایین شغل معلمی از فقدان دانش مدیریت آکادمیک رنج می‌برده؛ یعنی سطحی از دانش که بتواند اهمیت جایگاه معلم در توسعه و نوسازی را اولویت‌دار بینگارد. برخورداری از سوابق مدیریتی نظیر ریاست مرکز ملی نظارت راهبردی سازمان برنامه و بودجه کشور می‌تواند وزن ایشان را برای چانه‌زنی برای احقاق حقوق معلمان در کابینه بالا ببرد. طرح رتبه‌بندی معلمان که در دوره مدیریت بطحایی نظیر قانون خدمات کشوری درآمد و در این ساختار آموزشی با بدنه‌ای مملو از معلمان پر دغدغه؛ اما رنجور؛ توانست جامه عمل به این خواست بنیادین مبنی بر رتبه‌بندی معلمان براساس رتبه‌بندی نظام پرداخت بپوشد و به جامعه معلمی عزت بدهد؛ گرچه نمی‌تواند مطالبات مورد انتظار فرهنگیان را به طور کامل پوشش دهد؛ اما گامی به جلو بود. رتبه‌بندی معلمان و پرداخت براساس شایستگی برای برخورداری از آموزش‌وپرورش بدون دغدغه و شایسته‌سالار ضرورتی ساختاری است؛ هرچند این طرح صرفا در مسائل معیشتی محدود نمی‌ماند؛ بلکه هدف اصلی ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی معلمان است. اگر این طرح اجرای مناسبی را در زمان طی کند به نظر از نتایج آن، افزایش انگیزه معلمان و باکیفیت‌ترکردن نیروی انسانی و ارتقای تخصصی و حرفه‌ای معلمان خواهد شد. در آموزش‌وپرورش مسئله اساسی فقدان مدرسه و امکان فیزیکال برای آموزش نیست که در سالیان گذشته در قالب انجمن‌های خیریه‌ای مدرسه‌سازی به جد صورت گرفته؛ بلکه مشکل اساسی آموزش‌وپرورش عدم اهتمام جدی به امر آموزش است که زیربنای نگاه توسعه انسان‌محور و دانایی‌محور است. چنانکه می‌بینم به طور مثال فرق مدارس نخبه‌پرور یا استعدادهای درخشان یا به‌طور کلی مدارسی که خروجی‌شان توفیق در روندهای آموزشی در نسبت با دیگر مدارس است، نه‌تنها صرفا به داشتن ساختمان شیک و تجهیزاتی مانند میز و نیمکت و حتی دستگاه‌های پیشرفته آموزشی و آزمایشگاهی نیست بلکه به مکانیسم مؤثر آموزشی برمی‌گردد.

اگر به جای گسیل خیرین مدرسه‌ساز به ساختن چهاردیواری مدارس، گفتمان نیاز به مفاد آموزشی درست و مهارت‌های اساسی و آموزش مؤثر در داخل ساختار تقویت شود و در این خصوص با استفاده از همه ظرفیت‌ها، خیرین را به سرمایه‌گذاری درباره اهتمام به آموزش تشویق کنیم، این امر می‌تواند تسهیلگر و تقویت‌کننده آموزش، به عنوان اولویت اول و سنگ زیرین توسعه آموزشی در کشور شود؛ امری که مع‌الاسف در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها مغفول است. به دیگر سخن اگر در جذب کادر آموزشی قوی، مدیران مدارس اختیار عمل یا بودجه کافی برای دراختیارگذاشتن مایحتاج دبیران سخت‌کوش داشته باشند و «آموزش مؤثر» و «تغییر در محتوای درسی» با نگرش کارآمدی و ارتباط با آتیه صنعت و دیگر نهادهای مرتبط با نیازها و ضرورت کارآفرینی در جامعه که باید کادر علمی را از پایه‌ای‌ترین نهاد آموزشی کشور به درستی مهارت‌آموزی کرد تا ساختن آموزش‌وپرورشی کارکردی اهمیت نخست باشد، در این صورت می‌توان امید به نتیجه‌بخشی تحول در ساختار آموزشی کشور داشت. البته ناگفته پیداست که زمانی ساختار آموزشی کشور دستخوش اصلاح می‌شود که اراده‌ای جدی و پولادین در دیگر نهادها نظیر دولت و مجلس و تشکل‌های معلمان و سایر نهادهای مؤثر در امر آموزش شکل بگیرد و در این صورت اراده معلمان به‌عنوان موتور محرک توسعه آموزشی، می‌تواند تکمیل‌کننده اراده اصلاح باشد که البته مقدمه آن توافق و هماهنگی و اجماع مجموعه مدیران عالی کشور درباره پی‌بردن به ضرورت اصلاح است و این امر ربطی به اراده یا معرفی هیچ وزیری ندارد به دیگر سخن ضرورت تحول در ساختار آموزش‌وپرورش و اصلاح آموزشی نیاز به شکل‌گرفتن اراده‌ای فراوزارتی دارد که بتوان در آن صورت امیدوار به تحول و اصلاح شد؛ اما برای رسیدن به چنان ضرورتی نیاز به یک مدیر و وزیر قوی که شناخت همه‌جانبه و چندبعدی از آموزش‌وپرورش داشته باشد و تمامی مراحل مختلف از مدیریت‌های جزئی و تدریس گرفته تا مدیریت میانی و مدیریت عالی در همه سطوح را در آموزش‌وپرورش در تجربه‌های آموزشی خود داشته باشد، وجود دارد. وزیری که بتواند با مشورت‌پذیری و تعامل مثبت با بدنه فرهنگیان و نیز تشکل‌های معلمان، سازوکاری از تعامل با مجموعه آموزشی کشور را تعبیه کند که مجموعه معلمان و نمایندگانشان احساس کنند در تصمیم‌سازی نقشی مؤثر و غیرتشریفاتی دارند و طعم پاسخ‌گویی را بچشند. از این رو با توجه به تجربه‌های مدیریتی جناب آقای بطحایی می‌توان انتظار زمینه‌سازی و تسهیلگری امر اصلاح در ساختار و مناسبات آموزشی کشور را داشت و نیز امید بست که نه به عنوان منجی بلکه حضور و مدیریت ایشان به‌مثابه آغاز گامی مهم و ساختاری هم در اصلاح ساختاری و ارتقای سیستمی و هم در احقاق حقوق معلمان باشد، چنین باد.

گزینه پیشنهادی برای وزارت اقتصاد تا مرحله آخر پیش آمده است

خیز مرد دوم برای اول شدن

عکس: مهدی حسنی

شرق: مرد همواره در سایه وزارتخانه‌های اقتصادی ایران، حالا برای تکیه‌زدن بر مسند وزارت، معرفی شده است. معاونت‌های وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، نفت، صنایع سنگین و معاونت در شهرداری تهران نشان می‌دهد «مسعود کرباسیان» اکنون قرار است از نقش شماره دو، به کلیدداری مهم‌ترین وزارتخانه اقتصادی کشور برسد. «اگر» از مجلس رأی اعتماد بگیرد، در ساختمان باب‌همایون می‌ماند؛ فقط کمی جابه‌جا می‌شود و از دفتر ریاست کل گمرک ایران، به اتاق وزارت می‌رود.

این تکنوکرات ۶۱ساله اصفهانی، درست پیش از این، معاون علی طیب‌نیا و رئیس کل گمرک کشور بود. او توانست به وضع سنتی گمرک کشور، هرزرفتن زمان و هزینه در جریان تجارت خارجی و اوضاع کدر این بخش از اقتصاد ایران، سروسامان دهد و با استقرار پنجره واحد فرامرزی، جانی تازه در گمرکات کل کشور بدمد. کرباسیان توانست با تیمی جوان و دانش‌آموخته ایرانی، با گستره وسیعی از گرایش‌های سیاسی کار کند و در نهایت کارنامه‌ای پذیرفتنی در دولت یازدهم بر جای بگذارد. حالا همین مرد کم‌وبیش زیر فشار منتقدانی است که می‌گویند او اقتصاد نخوانده و وزارت برایش زیاد است. درباره همین موضوع به‌تازگی گفته «اگر بگویید «کرباسیان متخصص اقتصاد کلان نیست»، درست گفته‌اید، اما اگر بگویید اقتصاد نمی‌فهمد، حتما ارزیابی درستی از او نداشته‌اید». هرچند همین سخن به خودی خود پرسش بعدی را پیش می‌آورد: آیا کشوری چون ایران، در نیمه راه توسعه، برای سکان‌داری اقتصادش به یک متخصص اقتصاد کلان نیاز دارد یا نه؟

به‌هرروی سخن کرباسیان پر بی‌راه هم نیست؛ او به‌خوبی اقتصاد می‌داند و در همه ۳۵ سال گذشته و در تمام سِمت‌هایی که داشته، کارش به‌نوعی با اقتصاد گره خورده بوده و تحصیلاتش هم با اقتصاد بیگانه نبوده است. کرباسیان، در مقطع کارشناسی، برنامه‌ریزی خوانده؛ فوق‌لیسانس مدیریت با گرایش سیستم گرفته است و دکترای مدیریت بازرگانی دارد. حداقل ۱۲ کتاب مرتبط با اقتصاد نوشته که مهم‌ترین آنها «نظریه‌های جهانی‌شدن»، «نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی‌شدن» و «جهانی‌شدن و مخالفان آن» بوده‌اند. نگاهی به آثارش، آشکارا نشان می‌دهد تخصصش در حوزه‌های تجارت جهانی است و اتفاقا مسئول کمیته بررسی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی هم بوده است. بااین‌همه مدافعانش می‌گویند: اقتصاد ایران «مدیر کاربلد» می‌خواهد و منتقدانش مدام مدارک تحصیلی‌اش را پیش می‌کشند.

برنامه‌ها و فاز عملیاتی آقای کرباسیان

وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی، یکی از نخستین وزرایی بود که برنامه جامع احتمالی چهار سال آینده را برای هدایت اقتصاد ایران منتشر کرد. هرچند آن‌طورکه «شرق» از دو منبع آگاه اطلاع کسب کرده است، این برنامه را علی طیب‌نیا تهیه کرده بوده و پس از آنکه از رسیدن به ساختمان باب‌همایون ناامید شده، آن را به مسعود کرباسیان داده است؛ بااین‌حال، ویژگی بارز این برنامه این است که برای اصلی‌ترین امور اجرائی وزارت اقتصاد، یعنی خزانه، مالیات، بانک و گمرک، برنامه مشخص اجرائی دارد.

برایند این برنامه و البته مجموعه‌ای از اظهارنظرهای سکان‌دار احتمالی وزارت اقتصاد، نشان می‌دهد کرباسیان نمی‌خواهد وارد دعواهای اقتصاد آزادی‌ها و طیف مقابل آنها شود. سابقه پست‌های مدیریتی‌اش هم نشان می‌دهد او می‌خواهد وارد فازهای عملیاتی برای اصلاح اقتصاد ایران شود. در متن برنامه‌اش هم آمده است که رویکرد اقتصادی دولت دوازدهم، نگاه متوازن به اقتصاد اجتماعی و مردم‌محور است. به باور دولت عدالت اجتماعی از راه تولید ثروت بیشتر و توزیع بهینه آن حاصل می‌شود. باید در نظر داشت که دیگر رشد اقتصادی بر پایه تزریق درآمدهای نفتی و اقتصاد وابسته به دولت تداوم ندارد و از آن مهم‌تر عقلانی و منطقی نیست، بلکه رشد مستمر از راه التقای بهره‌وری، مبارزه جدی و اصولی با فساد، ایجاد شفافیت، بهبود فضای کسب‌وکار و حرکت در جهت اقتصاد دانش‌بنیان حاصل می‌شود. این برنامه همچنین در بخشی با عنوان آسیب‌شناسی مسائل پیشِ‌روی ایران آورده است: مسائل اقتصادی کشور را می‌توان در دو دسته بررسی کرد؛ دسته نخست مسائل ساختاری- تاریخی که ماهیت بین نسلی و ریشه‌دار دارند. دسته دیگر چالش‌های جاری هستند که در یک دوره، اقتصاد کشور را متأثر می‌کنند. چهار مسئله ساختاری- تاریخی- اقتصادی کشور عبارت‌اند از نفت‌زدگی؛ یعنی وابستگی بودجه دولت به درآمدهای ناپایدار نفتی، دولت‌زدگی که به‌دلیل سهم بزرگ دولت در اقتصاد رخ داده است. رانت‌زدگی؛ به معنی غیرشفاف‌بودن، غیرمنضبط و ناعادلانه‌بودن دسترسی به منابع و فرصت‌ها و همچنین سیاست‌زدگی؛ به معنی اداره غیرعلمی اقتصاد و غلبه ملاحظات سیاسی بر محاسبات اقتصادی.

وزیر احتمالی بعدی در تازه‌ترین اظهارنظرش گفته است: باید تکلیفمان را با شش مسئله در اقتصاد کشور مشخص کنیم: تکلیف نخست؛ بالابردن کیفیت حکمرانی است. سیاست‌گذاری صریح و شفاف برای رفع تعارض منافع و مبارزه گسترده و غیرسیاسی با فساد تکلیف نخست ماست. تکلیف دوم؛ تعیین تکلیف با جهان است. رهبر انقلاب خواستار تعامل گسترده با جهان هستند و به‌قطع بدون تعامل با جهان در پیله خود اسیر خواهیم بود. تکلیف سوم؛ تعیین حدومرز برای دولت است. دولت یک بار برای همیشه باید بگوید کجا می‌خواهد و می‌تواند وارد شود و کجا نمی‌تواند و نمی‌خواهد. تکلیف چهارم؛ ایجاد چشم‌انداز امیدوارکننده پیشِ‌روی بخش خصوصی است. فعالان اقتصادی باید اطمینان پیدا کنند که به حقوق مالکیت آنها احترام گذاشته خواهد شد و آنها حق تولید ثروت قانونی را برای همیشه خواهند داشت. تکلیف پنجم؛ مشخص‌کردن مسئله حمایت در اقتصاد ایران است. باید به‌صورت علمی مسئله حمایت را مشخص کنیم، هم سیاست‌های حمایتی از بنگاه‌ها و هم سیاست‌های حمایتی از اقشار کم‌درآمد. تکلیف ششم؛ رقابتی‌کردن اقتصاد ایران است. باید انحصار را برچینیم و رقابت را جایگزین کنیم.

دولت	رؤسای‌جمهور	نام وزیر	مدرک تحصیلی وزیر	مدت زمان وزارت
دولت نخست موقت	بازرگان	علی اردلان	کارشناسی: حقوق/ کارشناسی‌ارشد: علوم اداری و اقتصاد	بهمن ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۸
		ابوالحسن بنی‌صدر	فارغ‌التحصیل اقتصاد و حقوق اسلامی	تیر ۱۳۵۸ تا آبان ۱۳۵۸
کابینه موقت شورای انقلاب	ابوالحسن بنی‌صدر	حسین نمازی	کارشناسی/ کارشناسی ارشد و دکترا: اقتصاد	۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴
دولت نخست	محمدعلی رجایی			
دولت دوم	محمدجواد باهنر			
دولت موقت دوم	محمدرضا مهدوی‌کنی			
دولت سوم	میرحسین موسوی	محمدجواد ایروانی	کارشناسی: علوم بانکی/ کارشناسی‌ارشد: مدیریت بازرگانی بین‌المللی/ دکترا: مدیریت گرایش سیاست‌گذاری	۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸
دولت چهارم				
دولت پنجم	اکبر هاشمی‌رفسنجانی	محسن نوربخش	دکترا: اقتصاد	۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲
دولت ششم		مرتضی محمدخان	کارشناسی: مهندسی صنایع/ کارشناسی‌ارشد: اقتصاد/ دکترا: انتقال تکنولوژی	۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶
دولت هفتم	محمد خاتمی	حسین نمازی	کارشناسی/ کارشناسی ارشد و دکترا: اقتصاد	۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰
دولت هشتم		طهماسب مظاهری	کارشناسی: مهندسی عمران/ کارشناسی‌ارشد: مهندسی عمران/ دکترا: مدیریت مالی	۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳
		سیدصفدر حسینی	کارشناسی: اقتصاد/ کارشناس‌ارشد: اقتصاد کشاورزی/ دکترا: اقتصاد کشاورزی	۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴
دولت نهم	محمود احمدی‌نژاد	داود دانش‌جعفری	کارشناسی: مهندسی عمران/ کارشناسی‌ارشد: اقتصاد/ دکترا: اقتصاد	۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷
		حسین صمصامی‌مزرعه‌آخوند (سرپرست)	دکترا: اقتصاد	۱۳۸۷
دولت‌های نهم و دهم		سیدشمس‌الدین‌حسینی	کارشناسی: علوم اقتصادی/ کارشناسی‌ارشد: علوم اقتصادی/ دکترا: اقتصادعمومی و بین‌الملل	۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲
دولت یازدهم	حسن روحانی	علی طیب‌نیا	کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترا: اقتصاد	۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶

معاون وزیر کار:

برنامه کرباسیان نسبت به سایر وزرا جامع‌تر است

شرق: «مثبت ارزیابی‌کردن برنامه‌های وزیر پیشنهادی اقتصاد»، «ارائه چهار محور تازه برای کامل‌ترشدن برنامه» و «مقایسه این برنامه با برنامه‌های دیگر وزیران پیشنهادی»، همه‌وهمه نظر مردی است که هم‌اکنون معاون اقتصادی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی است. حجت‌الله میرزایی هرچند در این گفت‌وگو نقدهایی به برنامه پیشنهادی مسعود کرباسیان کرده است، اما معتقد است این انتقادها در راستای بهبود راه پیش‌روی وزیر اقتصاد و کمک‌حال اوست. میرزایی به «شرق» خبر می‌دهد: «انضباط برنامه، ارتباطی با حد تفصیل و دامنه پوشش آن ندارد. این ویژگی‌ها برآمده از مبانی معرفتی و تئوری برنامه است. ساختار و فرم برنامه با محدودیت‌هایی از سوی نهاد ریاست‌جمهوری همراه بوده و در مجال زمانی و محدودیت و سقف صفحات و حجم اعلام‌شده باید برنامه ارائه می‌شد. مهم‌ترین نقد من به این برنامه از حیث محتوا، به آسیب‌شناسی تحلیلی اقتصاد ایران و از حیث ساختار، به نداشتن اولویت‌بندی است».

آقای کرباسیان به‌عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد، برنامه‌هایش را برای سکان‌داری اقتصاد کشور ارائه داده است؛ شما این برنامه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اولا، باید میزان انتظارمان از برنامه وزیر پیشنهادی را روشن کنیم.

این برنامه با یک برنامه توسعه یا برنامه میان‌مدت موضوعی یا بخشی متفاوت است و کارکرد اصلی آن ارزیابی میزان اشراف و اولویت‌های کاری وزیر در دوران تصدی وزارت است. دوم اینکه انتظار ارائه یک برنامه مطلوب از کسی که در یک هفته پیش به‌عنوان گزینه پیشنهادی وزارت معرفی شده نادرست است. سوم، به محدودیت تعیین‌شده از سوی نهاد ریاست‌جمهوری برای تدوین برنامه‌ها توجه کنیم. من در مجموع این برنامه را از حیث ساختاری بسیار خوب ارزیابی می‌کنم. این برنامه هم به شکل موضوعی تقریبا به همه حوزه‌ها توجه کرده و هم تا حد زیادی به همه واحدهای سازمانی وابسته به وزارتخانه اگرچه ارائه برنامه برای حدود ۴۰ سازمان و مؤسسه وابسته به این وزارت نه ممکن بود و نه مطلوب.

خب به گمان شما مهم‌ترین ویژگی‌های این برنامه چه بود که آن را خوب ارزیابی می‌کنید؟

به گمان من، ویژگی مثبت برنامه دکتر کرباسیان جامعیت پوشش موضوعی و سازمانی براساس مأموریت‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی است. وزارت امور اقتصاد و دارایی از ابتدای وزارت دکتر طیب‌نیا یک تیم برنامه‌ریزی و مشاوران فعال به کار گرفت و برنامه چهارساله دولت یازدهم را با روش مشارکتی تدوین و در معرض ارزیابی عمومی قرار داد. موهبت ممتاز برنامه ایشان به اعتبار چهار سال مدیریت عالی در گمرک و عضویت در شورای معاونان وزارتخانه، داشتن نظرها و سرمایه انباشته مشاوران و مدیران وزارت اقتصاد برای تدوین برنامه پیشنهادی است. علاوه بر این، آقای کرباسیان ارزیابی روشنی از نقاط ضعف و قوت سازمان‌ها و مدیران وزارتخانه‌ای که چهارسال در آن کارکرده و میزان توفیق برنامه‌ها و سیاست‌های پیشین آن دارد.

ادامه در صفحه ۵

هدف‌گذاری «خوارزمی» برای افزایش سرمایه‌گذاری در آی‌تی و معدن و صنایع معدنی

شامگاه یکشنبه، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) در مراسمی که به مناسبت روز خبرنگار، برگزار شده بود، محفلی را ایجاد کرد تا در آن اهالی فرهنگ نگاهی به دشواری‌های عرصه رسانه داشته باشند. در این مراسم که با حضور برخی از چهره‌های عرصه رسانه و ادبیات مانند عموزاده‌خلیلی، مدیرمسئول هفته‌نامه چهل‌چراغ و سهیل محمودی، شاعر و نویسنده نامی کشور برگزار شد، حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با اشاره به دشواری‌های این حرفه، گفت: از آنجا که ورود به عرصه روزنامه‌نگاری برای اغلب افراد جامعه آزاد است، رقابت در این حرفه نیز دشوار است. از این رو، تنها افرادی که دارای پیگیری، جدیت و مطالعه بیشتری هستند، می‌توانند در این حرفه ماندگار شوند.

به گزارش روابط عمومی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی به گفته وی، در عصر حاضر که منابع خبررسانی بسیار زیاد شده است، تحلیل اخبار و صرفا تشخیص صحت و سقم آن به کاری سخت و نیازمند پیگیری جدی تبدیل شده است.

سیدرضا موسوی، معاون سرمایه‌گذاری و توسعه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، نیز در این مراسم گزارشی مختصر از برنامه‌ها، موفقیت‌ها و جایگاه این شرکت در بازار بورس تهران ارائه کرد. به گفته وی، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی بر اساس برنامه راهبردی هفت‌ساله خود که از سال ۹۲ آغاز شده است، سرمایه‌گذاری‌های خود را در هفت حوزه بانکداری، انرژی (نفت، گاز و انرژی)، بازار سرمایه و واسطه‌گری مالی، معدن و صنایع معدنی، آی‌تی و فناوری اطلاعات، بازرگانی و صنعت ساختمان متمرکز کرده است. موسوی افزود: در سال‌های باقی‌مانده تا ۱۴۰۰ (پایان برنامه راهبردی هفت‌ساله) وزن سرمایه‌گذاری‌ها در آی‌تی و فناوری اطلاعات و معدن و صنایع معدنی افزایش خواهد یافت.

ابراهیم رستمیان‌مقدم، پیش‌کسوت عرصه ارتباطات و مشاور مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز در این مراسم در سخنان کوتاهی، یکی از دلایل همکاری خود با گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی را توجه مدیریت سابق و کنونی این شرکت به مقوله مسئولیت اجتماعی و مسئولیت شرکتی برشمرد و گفت: شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با بیش از ۴۰ هزار سهام‌دار خرد، یکی از شرکت‌های واقعا سهامی عام کشور به شمار می‌رود.

سهیل محمودی شاعر نیز در این مراسم، از خاطرات روزنامه‌نگاری‌اش سخن به میان آورد. به باور محمودی، قشر روزنامه‌نگار برخلاف برخی از مشاغل و حرفه‌ها، دارای پیشینه و تاریخ است. پیشینه‌ای که در آن فرخی‌یزدی، میرزاده عشقی و ملک‌الشعرای بهار در اوج قرار دارند و از همین روست که روزنامه‌نگاران نباید منافع ملی را فدای منافع شخصی خود کنند.

گزارش

نقد برنامه‌های پیشنهادی وزرا

● **شرق:** بررسی برنامه‌های وزرای پیشنهادی برای کابینه دوازدهم، به یکی از بحث‌برانگیزترین مقوله‌ها در بین کارشناسان تبدیل شده است. برهمین‌اساس مؤسسه دین و اقتصاد، دیروز کنفرانسی مطبوعاتی در بررسی چالش‌ها و چشم‌اندازهای اقتصاد ایران در پرتو انتخاب مدیران اقتصادی جدید و برنامه‌های آنها در قالب «سایه‌روشن‌های چند انتخاب مهم کابینه» برگزار کرد که اهم صحبت‌های سخنرانان در پی به‌صورت گزینه‌وار می‌آید.

فرشادمؤمنی،اقتصاددان

● جای نگرانی وجود دارد که در تیم اقتصادی پیشنهادی از سوی رئیس‌جمهور هیچ اقتصاددانی وجود ندارد.

● ردپایی از توجه به بحران در برنامه تیم اقتصادی نیست.

● هیچ‌یک از وزرای تیم اقتصادی دولت دوازدهم برنامه‌های خود را متناسب با واقعیت‌های اقتصاد ایران تنظیم نکرده‌اند.

● برنامه‌ها طوری نوشته شده که گویی تهدیدها و بحران‌هایی مانند فروپاشی مالی، کشور را تهدید نمی‌کند.

● در برنامه‌های اقتصادی ارائه‌شده، درباره چرایی شکل‌گیری بحران‌های موجود، تحلیلی وجود ندارد و فقط یک‌سری اعداد و ارقام با آرزوها و شعارها برای تحقق در آینده به چشم می‌خورد.

● برنامه اقتصادی ارائه‌شده از سوی رئیس‌جمهور در دوران انتخابات نیز به لحاظ کیفیت کارشناسی متناسب با نیازهای کشور نیست و با خطا و محدودیت‌هایی روبه‌رو است.

● اکنون علائم نگران‌کننده از تسخیرشدن ساختار قدرت وجود دارد. عده‌ای بیش از اینکه نگران منافع ملی باشند، نگران منافع کانون‌های ضدتوسعه‌ای قدرت و ثروت هستند.

● همزمان از گذار از دولت خام‌فروش به سمت دولت آینده‌فروش حرکت می‌کنیم.

● به ساختار قدرت تذکر می‌دهیم که عملکرد دولت روحانی به حساب کل نظام گذاشته می‌شود، بنابراین این بینش که عده‌ای موفقیت دولت را شکست خود قلمداد می‌کنند، درست نیست.

حسین‌راغفر،اقتصاددان

● امروز، عده‌ای دنبال افزایش قیمت ارز هستند و مرتب هم می‌بینیم در رسانه‌های خود مطرح می‌کنند و افکار عمومی را آماده می‌کنند که افزایش قیمت ارز رخ دهد. چراکه از قبل این افزایش قیمت ارز و تورمی که به دنبال آن حاصل می‌شود، منافعی دارند.

● سرانه هر تهرانی در دریافت سود بانکی ۱۰.۵ میلیون تومان است که رقمی وحشتناک است.

● بررسی آنچه در قالب برنامه از سوی وزرای پیشنهادی ارائه شده، نشان می‌دهد اغلب آنها به گرفتاری‌های اساسی کشور توجه نداشتند و برنامه‌های آنها مجموعه حرف‌های تکراری و کپی برنامه‌های وزرای قبل است.

● اکنون سه گروه قوه مجریه، مقننه و بخش خصوصی با یکدیگر در تعامل دائمی و حافظ منافع این سه گروه هستند و به‌این‌ترتیب منافع عموم مردم قربانی می‌شود. این مجموعه عنوان اقتصاد رفاقتی دارد و مادامی‌که به این مسئله پاسخ داده نشود، بسیاری از مسائل شوم مملکت ما برطرف نمی‌شود.

● تا زمانی‌که به شدت وابستگی به نفت داریم، در معرض تهدید قدرت‌های خارجی هستیم. اکنون اقتصاد ما و گلوگاه آن در دست کنگره آمریکاست. با وجود این می‌بینیم که در هیچ‌کدام از برنامه‌ها اشاره‌ای به این مشکلات نشده است.

● در برنامه‌های پیشنهادی اشاره‌ای به اصلاحات ساختاری و نهادی نشده است. در ضمن در هیچ‌کدام از این گزارش‌ها به فسادها و رابطه بخش خصوصی و دولت و گروه‌های حامی این مناسبات اشاره نشده است.

● فساد گسترده در فرایندهای گمرکی به صورت بداظهاری و کم‌اظهاری خود را نشان می‌دهد. اکنون در مجموع، مغایرت‌های گمرکی با چین و امارات نشان می‌دهد قاچاق در ایران به صورت عمده رخ می‌دهد.

● امروز مسئله مسکن سیاسی شده است و مسکن از سبد هزینه خانوار کم‌درآمد خارج شده است، درحالی‌که در این برنامه‌ها تدبیری برای آن اندیشیده نشده است.

محسن ایزدخواه، معاون اسبق سازمان تأمین اجتماعی

● طرح موضوع افزایش شش‌درصدی میزان پرداخت بیمه بی‌کاری در برنامه وزیر کار یک طنز تلخ است و نشان می‌دهد وزیر کار اطمینانی به رونق اشتغالزایی نداشته و افزایش شش‌درصدی بیکاری را پیش‌بینی کرده است.

● سند ملی کار شایسته با گذشت سال‌های متمادی هنوز تدوین و تصویب نشده است.

● هنوز تشکل کارگری و کارفرمایی قوی در حوزه روابط کار وجود ندارد. بنابراین باید برای این فکری کرد.

● بحران صندوق‌ها بسیار جدی است و اکنون با کتمان‌کاری اداره می‌شود. در ایران ۲۴ صندوق داریم که باید بررسی کنیم نسبت پشتیبانی در آنها چگونه است. اگر نسبت‌های پشتیبانی صندوق‌ها در کشورهای مختلف دنیا به سمت ۵ میل کند، صندوق‌ها اعلام ورشکستگی می‌کنند؛ ولی در ایران ۲۰ صندوق نسبت‌های پشتیبانی بسیار کمتر از ۵ دارند و ورشکسته‌اند ولی عملا صدایی از کسی درنمی‌آید؛ چراکه از رانت استفاده می‌کنند.